



همه چیز از گزارش نسیم شروع شد که «آفروُد نفس طبیعت را گرفته است»،بعد از آن واکنش فعالان محیط‌زیست در صفحات مجازی آغاز شد که آفروُد‌ها یا همان رانندگان خودروهای دودیفراَنسیل بدون رعایت موارد استقراز در طبیعت و محیط‌زیست سبب تخریب محیط‌زیست می‌شوند که البته واکنش گروه مقلبان را در بر داشت و صفحات مجازی را پر کردند از گلایه از فعالان زیست‌محیطی که با غرض‌پوزی و بدون اطلاع در مورد این پدیده اظهارنظر می‌کنند.درنهایت این کشمکش به آرایه نامهای از سازمان محیط‌زیست با موضوع گسترش بی ضابطه آفروُد (رانندگی بیبایبی) به اوج خود رسید که به گفته اهالی این ورزش چرا سازمان محیط‌زیست شنازده اقدام به چنین دست‌ورعملی کرده تا سرنوشت‌ فعالیت آفروُد‌ها در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد و البته انگشت اتهام را به سوی فعالان محیط‌زیست نشانه رفتند که با عدم آگاهی در دست‌اندازان این ورزش که بیشتر مبتدی طر فداران دودیفراَنسیل‌ها منجر به حساسیت سازمان محیط‌زیست نسبت‌با این پدیده شدند.مانند فرود خلیلی، آفروِدباز که می‌گوید: ما عاشق طبیعت هستم و هیچگاه قصد تخریب محیط‌زیست را ندارم که در این‌گونه موارد یک اقدام بی‌هستند نکات زیست‌محیطی را گوشزد می‌کنیم.ما مخرب محیط‌زیست نیستیم، برعکس ما حافظان محیط‌زیست هستیم.دوستان نسبت‌به ما کم‌لطفی کردند.

استاد در نامه معوان محیط‌زیست طبیعی سازمان محیط‌زیست خطاب‌به تمام‌مدیران محیط‌زیست‌استان‌ها آمده که طی ۹ روز نظرات و پیشنهادات خود را درباره تاثیرات نامطلوب بر جای‌مانده در طبیعت در اثر گسترش این نوع رانندگی و چگونگی مدیریت‌موضوع فوق‌الذکر در این‌نوع فعالیت‌ها و روزنامه‌های مدیری‌به‌آنها ارسال می‌کنند. به‌این‌معناوت اعلام کنند که البته‌بعضی‌م‌رسد زمان خیلی کمی باشد، نکته جالب و البته امیدبخش اینجاست

که در یک اقدام بسیار نادر و البته تحسین‌برانگیز سازمان محیط‌زیست پیرو گزارش یک خبر‌گزار ی اقدام به نوشتن چنین نامه‌ای کرد که امید است در مسائل دیگر محیط‌زیستی مثل بازار قاچاق خرید و فروش پرندگان بایلسر و مسائل زیست‌محیطی بسیار مهم دیگر که هر روز خبر‌گزار ی‌ها و روزنامه‌های مدیری‌به‌آنها ارسال می‌کنند. برای این که ببینیم آفروُد چیست و این که چه تاثیری بر طبیعت می‌گذارد باید نگاهی به فعالیت این ورزش که در دنیا بسیار رواج دارد و در ایران مدت کوتاهی است که مورد توجه‌جوانان قرار گرفته‌ببیندازیم.

آفروُد بیابیان‌گردی

آفروُد یا آن‌طور که در ایران اطلاق می‌شود بیابان‌گردی

با خودروهای دودیفراَنسیل از ورزش‌های هیجانی است

که طرف‌داران بی‌شماری در سراسر دنیا دارد و البته جوانان ایرانی طی ایسن چند دهه گسترش اطلاعات و فناوری از این هیجان بی‌نصیب نمانده‌اند. مسابقات آفروُد همه‌ساله در جای‌جای این کره خاکی بر گزار می‌شود و این لحاظ‌گر دشگری بسیار حایز اهمیت است. طبق تعریف فدراسیون مسابقات اتومبیلرانی و موتورسواری، مسابقات آفروُد (به انگلیسی: Off-road) گونه‌ای از مسابقات اتومبیلرانی هستند که در طبیعت‌های درای عوارض دشوار طبیعی (ونه در میان مناطق بکر طبیعی) بر گزار می‌شود. در این ورزش از خودروهای شاسی‌بلند نظیر لنדרور، لندکروز، جاپرو ورنچورر استفاده می‌شود. نکته مهم در خصوص این ورزش این است که حتماً باید در مسیر‌هایی انجام شود که توسط سازمان‌های ذیربط مثل فدراسیون اتومبیلرانی یا همکاری سازمان محیط‌زیست و دیگر سازمان‌ها مشخص می‌شود و برای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست نباید در حجم‌وسیع مسابقات در مسیر‌های بکر دشگری صورت می‌شود و هم‌زمان باید نوع جاذبه بکر دشگری هم مشخص شده می‌شود و در بسیاری از موارد و خارج از مسابقه آفروُدبازان برنام‌های متعددی در خصوص هیجانات دوستانداران این ورزش هیجانی می‌گذارد تا هم از طبیعت لذت ببرند و هم از هیجان بی‌نظیر ایسن ورزش، اگرچه در این بین اگر اطلاعات کافی توسط سازمان‌های متولی طبیعت و همچنین فدراسیون اتومبیلرانی در خصوص چگونگی انجام این ورزش و مسیر‌های بی‌خطر از نظر زیست‌محیطی ارایه شود، می‌تواند راهگشای اختلاف بین آفروُدبازان و فعالان محیط‌زیست باشد. هر چند تعداد تور‌های متنوعی از آفروُد در مناطق حفاظت‌شده‌ای مثل باتلاق گاوخونی، کویر

گزارشی در مورد دو دیفراَنسیل‌سوار‌ها و نامه سازمان محیط‌زیست

«آفروُد» در میان زمین و آسمان

|بابک مهدیزاده|



یکساعت مهیج حسنی/شهرزاد

اطراف و محدوده کاروانسرا فعالیت می‌کنیم و از آن دور تر نمی‌شویم و در مناطقی که همین الان توسط سازمان محیط‌زیست حفاظت‌شده اعلام شدند وارد نمی‌شویم چون به دلیل نظارتی که دارد قطعاً ما با مرز ورود خواهیم شد. اما خلیلی در مقابل این پرسش که در برخی از موارد دیده شده که بعضی از دوستان شما در این گونه مناطق دیده شده‌اند این گونه پاسخ می‌دهد: صدر صد عده‌ای مبتدی و ناآشنا به مسائل زیست‌محیطی هم در بین ما وجود دارند که بدون این که ما بدانیم وارد این مناطق شوند و ما این را رد نمی‌کنیم و این در هر گروهی ممکن است اتفاق بیفتد ولی در کلیت‌ماجر این طور نیست که دودیفراَنسیل سوار‌ها فقط زیست‌محیط‌زیست را تخریب می‌کنند بلکه با قاطعیت عنوان می‌کنم که آفروُدباز‌ها از حافظان محیط‌زیست هستند و اگر هر کسی کوچک‌ترین خطایی در این رابطه کند‌بااعتراض دیگر اعضای گروه مواجه خواهد شد. ما حتی تمام زباله‌ها حتی زباله‌های بازیافتی را هم‌باخود‌برمی‌گردانیم.

انتقاد از نامه سازمان

فرهود خلیلی با انتقاد از نامه سازمان محیط‌زیست آن را شتاب‌زده عنوان می‌کند و اعتقاد دارد که ۹ روز تعیین شده برای کار کشندنی در زمینه آفروُد بسیار کم است. در این نقطه بحث را اکبر فتاحی مسئول کمیته دودیفراَنسیل استان تهران در گفت‌وگوبا «شهروند» ادامه می‌دهدواعتقاد دارد که دودیفراَنسیل سوار‌هاحفاظان اصلی طبیعت‌هستند و تنها کسانی‌اند که در حوادث غیرترقی‌به‌همیشه ما آماده همکاری هستندوبلافاصله در محل حادثه‌حضور می‌یابند. وی در ادامه می‌افزاید: دوستان توریلدر تاراحت هستنداز این که عده‌ای طبیعت‌دوست آمدند و انحصار را از دستشان در آوردند چون آنها فکر می‌کنند که طبیعت‌منحصراست و آنهاست و نگران محل کسب و کارشان هستند. در نظرات این دوستان موارد ضد و نقیض زیادی دیده می‌شود. فتاحی که به‌گفته خودش یکی از راهاندازان هیأت‌اتومبیلرانی است در بخش دیگر یادآور می‌شود: ما دودیفراَنسیل سوار‌ها در یک برنامه‌ای از طریق نهادهای خودمان یک حجم بسیار زیادی ذرت و گندم برای قوف‌های سیبری که درحال مهاجرت بودند جمع‌آوری کردیم و برای این پرندگان بازویش را خریدیم تا در این‌گونه حضور آفروُدباز‌ها خواش می‌کنم که این نظر را که همانا مانجانجانب طبیعت هستیم به مردم انتقال دهید و از دودیفراَنسیل سوار‌ها به‌عنوان افرادی که بیده به محیط‌زیست یاد شود. حالا امکان دارد در این مورد چهار نفر هم خلاف کنند ولی نباید از راه به همه تعمیم داد. حتی در تور هیامان کسی که خلاف کند توسط دیگر اعضای گروه تذکر می‌یابند. ما فقط به‌قصد تفریح این کار را نمی‌کنیم ما عاشق طبیعت هستیم و یک دودیفراَنسیل‌سوار می‌شویم. طبیعت زندگی می‌کند. فتاحی در ادامه به واکنش‌های پس از این گزارش اشاره می‌کند: من روزنامه از طریق پیامک و حتی صفحات مجازی حش و توخین می‌خوردم. ما حتی در زمانی که زلزله آذربایجان اتفاق افتاد ۱۵ دودیفراَنسیل سوار برای کمک فرستادیم. بعد فعالان و دوستان طرفدار محیط‌زیست ما را متهم به تخریب‌محیط‌زیستی‌می‌کنند.

به‌نظر‌می‌رسدمشکل بر سر تفسیر تفکر آفروُد‌بایر‌ا‌ه‌رو باشد. عده‌ای آن را یک تفریح صرف از دیدگاه طبقات پایین‌اجتماعی می‌دانند که این نوع نگاه برای طبیعت مشکل‌زااست و عده‌ای هم خلیلی‌ها و فتاحی‌ها دودیفراَنسیل‌سواری را به منزله عشق به محیط‌زیست و قوانین طبیعت‌می‌دانندو خودرا مقیدبه قوانین ومجوز‌های سازمان‌های مربوط کرده‌اند. در این بین عدم شفاف‌سازی این گونه فعالیت‌ها از طریق هیأت‌های ورزشی ومستولان نیزنظر سازمان‌ها متفاوت‌هستند چرا که در شب به‌هیچ‌خودرو‌ای که ما به منطقه می‌آوریم چهار خودرو است ولی خود فعالان محیط‌زیست و توریلدر‌هایی که این انتقاد را به ما می‌کنند بعضاً با ۲۰ خودرو وارد آن مناطق می‌شوند. وی در ادامه تصریح می‌کند: دودیفراَنسیل سوار‌ها در حالت عادی وارد پارک ملی و مناطق حفاظت‌شده نمی‌شوند چون محیط‌بانان با آنها برخورد می‌کنند و باید مجوز داشته باشند. همچنین فرهود خلیلی با اشاره به این که یکسری قوانین نالوشده برای خودمان جهت حفظ محیط‌زیست داریم تا تأکید می‌کند: ایسن قوانین ما را ملزم به رعایت نکات زیست‌محیطی می‌کند. در مسأله کویر مر نجاب ما در

دوربین به‌دنبال مرد در سالن فرودگاه به راه می‌افتد. بسه یکباره مرد خم می‌شود و دوربین در

زاویه‌ای قرار می‌گیرد که یک تکه زباله را در کنار مرد نشان می‌دهد. افتاده بر زمین. مرد اما خم می‌شود تا بند باز شده کفشش را ببندد بی‌اعتنا به زباله افتاده بر زمین. در همین فعل‌وانفعال دوربین دیگری مردی را نشان می‌دهد نشسته بر صندلی و پشت به صندوقی مقوایی و بزرگ که معلوم نیست چیست. اما دستش مرد آماده روی دکمه‌ای قرمز قرار دارد تا بلکه بفشارد. نشان مرد اول خم می‌شود و زباله را بر نمی‌دارد مرد دوم از فشردن دکمه ناامید می‌شود می‌نشیند. در عین ناامیدی اما زنی جوان در حال رد شدن از همان مسیر است که نگاهش به زباله می‌افتد. کاری به اطرافش ندارد. سریع و بی‌تامل خم می‌شود و زباله را از روی زمین برمی‌دارد و در حالی که دوربین چندین و چند انسان دیگری را در اطراف این زن نشان می‌دهد که متوجه حر کاتش هستند، زن زباله را به درون سطل زباله می‌ریزد. در این هنگام است که مرد آماده فشردن دکمه قرمز، با خوشحالی دکمه را می‌فشارد، صندوق مقوایی بزرگ از هم باز می‌شود، شعار حمایت از محیط‌زیست در انتهای صحنه روی تابلویی نقش می‌یابد و از دل مقوای بزرگ باز شده شهری سبز و زیبا به نمایش گذاشته می‌شود و روی پرده‌ای نوشته که شمارنده جایزه انجمن مآشده‌اید. این گونه است که زن جمع‌کننده زباله خوشحال می‌شود و همگان برایش دست می‌زنند.

این فیلم کلیپی است که در فضای مجازی دست‌به‌دست چرخیده و لایک‌های فراوانی خورده است اما آیا این لایک‌ها آگاهانه است؟ آیا لایک‌کنندگان ایرانی اصلاً دریافته‌اند که قضیه چیست و آیا خود همانند آن مرد خم شده برای بستن بندهای کفشش عمل می‌کنند یا همانند آن زن جوان واقعاً زباله را از کف خیابان جمع می‌کنند. جمع که پیشکش حداقل زباله خود را روی زمین نمی‌ریزند؟

کلیب مذکور ظاهراً متعلق به انجمنی است در سوئد به نام «دست‌کم روی یک آشغال از روی زمین بردار» دبیر افتخاری‌اش هم پادشاه سوئد است. تعداد اعضایش بی‌شمار است اما وقتی خبرنگار یکی از شبکه‌های تلویزیونی سوئد از یکی از مسئولان انجمن پرسید که «آیا شاکر می‌کنید اگر روزی یک آشغال از روی زمین بردارید، سوئد تبدیل به بهشت می‌شود؟» شخص مسئول گفت نه. اعضا‌ی سال‌ها و سال‌ها می‌توانیم بیست‌انگار ساخت. سخت اعتقاد رایج داریم که اگر کسی روزی یک آشغال از روی زمین بردارد، هرگز خودش اشغالی روی زمین

ذره بین

آموزش محیط‌زیست

سختی که آسان است اما ساخت‌است

|انیماصاب|

نمی‌ریزد. ما آموزش می‌دهیم آن‌هم نه در تئوری که باعمل… این فیلم و این گفته‌ها نشان از اهمیت فراوان امر آموزش و فرهنگ‌سازی دارد. نه تنها در مسائل زیست‌محیطی که در هر مسأله و نابه‌جاری اجتماعی دیگر. همان اصلی که سال‌هاست فعالان محیط‌زیست کشور فریاد می‌زنند که مشکل اصلی محیط‌زیست ایران نبود آگاهی نبود آموزش است. چون آگاهی نبود بود دیگر کسی سیگار روشنش را در پارک ملی رها نمی‌کرد تا جنگل گلستان مکرر آتش بگیرد. اگر آموزش بود شش‌کار کم می‌شد. اگر آموزش بود به جای قطع درخت از فضای سبز حراست می‌شد. اگر آموزش بود در مصرق با کم‌ی خست به خرج داده می‌شد. اگر آموزش بود زباله روی زمین نمی‌ریختند. اگر آموزش بود از پلاستیک و نایلون کمتر استفاده می‌شد. اگر آموزش بود طبیعت آلوده نمی‌شد، رودخانه کثیف نمی‌شد، ساحل دریا بی‌ریخت نمی‌شد، هوا پاک می‌ماند، محل زندگی از حشرات موذی در امان می‌ماند، رستوران‌ها و اماکن غذایی تمیز تر بودند و زندگی پاک‌تر می‌شد. اگر آموزش بود دیگر حیوانات رو به فقرآش نبودند، تالاب‌ها خشک نمی‌شدند، جنگل‌های لخت شده نبودند، کوه‌ها تیفه‌خورده نبودند، هوای دودآلود نبود، آب قطره‌قطره نبود و خیلی از نبودهای دیگر. اما خب چه کنیم که آموزش نیست. در مدارس به فرزندان این مملکت از هر چه درس می‌دهند! الانکات زیست‌محیطی. در دانشگاه هم اینچنین. تلویزیون و رادیو هم حجم کمی برای محیط‌زیست دارند. در آثار ادبی و سینمایی و لایک‌هایی هم چندان دغدغه زیست‌محیطی نمی‌بینی. اصولاً شعار حمایت از محیط‌زیست برای مردم عادی سوسول‌بازی و برای خیلی‌ها هم یک پرزوشنگری است اما آنچه‌راد این وسط فایده می‌شود اینده ایندگان مان است و صدا‌لیته سلامت‌ی خودمان. آموزش و فرهنگ‌سازی عزم ملی می‌خواهد، عزم‌عملی هم‌دغدغه‌عملی می‌خواهد، یعنی باید شکار بی‌رویه حیوانات، خشکسالی، آلودگی هوا، آب، دریا، تالاب و نابودی جنگل‌ها و پارک‌های ملی تبدیل‌به دغدغه مسئولان کشور و روشنفکران شود تا موج فرهنگ‌سازی ایجاد شود. مشکل تنها همین است و گرنه وقتی دغدغه ایجاد شود و عزم ملی به‌وجود آید انگار که چشم‌بزمیدانیم خودمان تا همین می‌شود و هم موج فرهنگ‌سازی و در کمترین زمان ممکن می‌توان فرهنگ حراست از محیط‌زیست را در نهاد خانواده‌ها کاشت اما حیف که مشکل فقط یکی است. بهشت است می‌شود؟«شخص مسئول گفت نه. اعضا‌ی سال‌ها و سال‌ها می‌توانیم بیست‌انگار ساخت. سخت اعتقاد رایج داریم که اگر کسی روزی یک آشغال از روی زمین بردارد، هرگز خودش اشغالی روی زمین

خود را بهشت می‌داند. ما هم می‌توانیم بیست‌انگار ساخت. سخت اعتقاد رایج داریم که اگر کسی روزی یک آشغال از روی زمین بردارد، هرگز خودش اشغالی روی زمین

خود را بهشت می‌داند. ما هم می‌توانیم بیست‌انگار ساخت. سخت اعتقاد رایج داریم که اگر کسی روزی یک آشغال از روی زمین بردارد، هرگز خودش اشغالی روی زمین

خود را بهشت می‌داند. ما هم می‌توانیم بیست‌انگار ساخت. سخت اعتقاد رایج داریم که اگر کسی روزی یک آشغال از روی زمین بردارد، هرگز خودش اشغالی روی زمین

نگاه

نکات سبز برای شهر سبز

|کاوه خلایق|

بریده است. مردمانی که به واسطه همسایگی با این خازه بزرگ زباله با آنجا بیماری هم دست به گریبان شده‌اند. همسایه چندین سال پیش بود که مورد مشاهده بیماری ایدز ناشی از همسختی با زباله‌های خطرناک در این منطقه گزارش شد. مطمئناً اعضا محترم شورای شهر با در نظر داشتن این مشکلات است که به‌شورآفرخته‌اند و مطمئناً جهت چاره‌اندیشی سال‌هاست که آن قدر فاضلاب خانگی و صنعتی را در رودخانه‌ها ریزد که نه تنها این آلودخانه ساینزایبیا زاید‌به‌مرگ کشاندند که اکنون گوهر روز و روزجوب خود را به سفیران مرگ شسندند. آلودخانه‌ای که در سال‌های نه‌چندان دور می‌شد از آن ماهی گرفت و قایقرانی کرد اکنون باخود مرگ حمل می‌کنند. یکی از آنها به زمین‌های کشاورزی می‌رود و به محصولاتی همان بهره‌ها را می‌بریم که از سایر سرمایه‌هایمان.

رشت تا نزدیکی رشت جنگل سراولان قرار دارد. ۴- فضای سبز شهری رشت بسیار بسیار اندک است. حتی کمتر از شهر کویری یزد. برای شهر سراسری که زمین‌های بارش هم با اندک بارانی یک‌روزه سبزی می‌شود این یک عیب بزرگ است. امیدوارم اعضای محترم شورای رشت در انتخاب شهر رشت دو نکته را مدنظر داشته باشند و از کلندیهادهای آن تأمین می‌کنند و باستان‌ها محل شای‌هزاران هزار ایرانی است تریق کنداز این‌روست که گلکاری و خرید گل‌های لاله آرقیتمت و کاشتشان در میدان‌های اصلی شهر آگفتا کند بلکه باید فضای بیشتری به درختان و گیاهان رشت اختصاص داد. شهر دار آینده نباید درخت‌های رشت را از بین ببرد بلکه باید درختان بیشتری بکارد. نباید به حاشیه‌های سبز پیاده‌رو‌ها بی‌اعتنا باشد. وقتی پیاده‌راه شهرداری ساخته شد تا چمنه‌اول دین گل‌ها و سبزی چشمان آدمی را می‌پوشد اما اکثر خبری از این گل و سبزی نیست

و به جایش زباله مغازه‌داران و مردم است که چهره پیاده‌رو را زشت کرده‌اند. همچنین شهردار اگرند که به کمک فضای شهر باید دنبال ارتقای کارکرد پارک‌های فعلی شهر باشند. پارک‌هایی که باید محل برگزاری انواع جشنواره‌های هنری و فرهنگی و بازی‌ها و مسابقات ورزشی باشند نه محلی برای گذراندن روزمرگی و باتوق اوطاف و معتان.

۴- رشت تا نزدیکی رشت جنگل سراولان قرار دارد. ۴- فضای سبز شهری رشت بسیار بسیار اندک است. حتی کمتر از شهر کویری یزد. برای شهر سراسری که زمین‌های بارش هم با اندک بارانی یک‌روزه سبزی می‌شود این یک عیب بزرگ است. امیدوارم اعضای محترم شورای رشت در انتخاب شهر رشت دو نکته را مدنظر داشته باشند و از کلندیهادهای آن تأمین می‌کنند و باستان‌ها محل شای‌هزاران هزار ایرانی است تریق کنداز این‌روست که گلکاری و خرید گل‌های لاله آرقیتمت و کاشتشان در میدان‌های اصلی شهر آگفتا کند بلکه باید فضای بیشتری به درختان و گیاهان رشت اختصاص داد. شهر دار آینده نباید درخت‌های رشت را از بین ببرد بلکه باید درختان بیشتری بکارد. نباید به حاشیه‌های سبز پیاده‌رو‌ها بی‌اعتنا باشد. وقتی پیاده‌راه شهرداری ساخته شد تا چمنه‌اول دین گل‌ها و سبزی چشمان آدمی را می‌پوشد اما اکثر خبری از این گل و سبزی نیست

۴- رشت تا نزدیکی رشت جنگل سراولان قرار دارد. ۴- فضای سبز شهری رشت بسیار بسیار اندک است. حتی کمتر از شهر کویری یزد. برای شهر سراسری که زمین‌های بارش هم با اندک بارانی یک‌روزه سبزی می‌شود این یک عیب بزرگ است. امیدوارم اعضای محترم شورای رشت در انتخاب شهر رشت دو نکته را مدنظر داشته باشند و از کلندیهادهای آن تأمین می‌کنند و باستان‌ها محل شای‌هزاران هزار ایرانی است تریق کنداز این‌روست که گلکاری و خرید گل‌های لاله آرقیتمت و کاشتشان در میدان‌های اصلی شهر آگفتا کند بلکه باید فضای بیشتری به درختان و گیاهان رشت اختصاص داد. شهر دار آینده نباید درخت‌های رشت را از بین ببرد بلکه باید درختان بیشتری بکارد. نباید به حاشیه‌های سبز پیاده‌رو‌ها بی‌اعتنا باشد. وقتی پیاده‌راه شهرداری ساخته شد تا چمنه‌اول دین گل‌ها و سبزی چشمان آدمی را می‌پوشد اما اکثر خبری از این گل و سبزی نیست